

مقایسه‌ی شمایل‌نگاری و موضوعی سنگ‌نگاره‌های گورگتان نیکشهر و بندیک گشت سراوان

مریم یاغی‌زهی^{۱*}، زهره جوزی^۲

چکیده

صخره‌نگاره‌ها از منظر مطالعات باستان‌شناختی، تاریخی، هنر و مطالعات انسان‌شناسی حائز اهمیت فراوانی بوده و بررسی آن‌ها می‌تواند در بازشناخت فرهنگ جوامع گذشته مفید واقع گردد. سیستان و بلوچستان از جمله مناطق غنی در رابطه با این دسته از آثار بوده که حضور مجموعه‌هایی همچون نقوش صخره‌ای قصرقند، بندیک، گورگتان و سنگ‌نگاره‌های میل خاش، نشان از پیشینه فرهنگی و تاریخی کهن و پرفروغ این منطقه دارد. این پژوهش که مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی و به شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی بوده، به مطالعه نقوش صخره‌ای گورگتان نیکشهر پرداخته و ضمن معرفی، تحلیل و تاریخ‌گذاری این مجموعه، به مقایسه و تطبیق صخره‌نگاره‌های آن با نقوش صخره‌ای موجود در دره بندیک سراوان می‌پردازد. این که نقوش صخره‌ای گورگتان از نظر تکنیک و گونه‌شناسی شامل کدام گونه‌هاست و به چه دورانی تعلق دارند و وجوه مشترک این آثار با صخره‌نگاره‌های بندیک چیست؟ از مهمترین سوالات و اهداف مطرح شده در این پژوهش هستند. مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که صخره‌نگاره‌های گورگتان شامل انواع نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و نمادین بوده؛ این آثار از منظر نوع نقوش و شمایل‌نگاری و همچنین از نظر فن ایجاد نقوش و صحنه‌های موضوعی قابل مقایسه با نگاره‌های بندیک است. این ویژگی‌های مشترک، نشان از تعلق هر دو آثار به مردمانی با فرهنگ‌های یکسان و مشابه بوده و این را می‌رساند که حداقل بخشی از نقوش هر دو مجموعه، در یک بازه زمانی مشترک و مشابه ایجاد شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سنگ‌نگاره، بلوچستان، گورگتان (نیکشهر)، بندیک (سراوان)، هنر صخره‌ای.

ارجاع: یاغی‌زهی م.، جوزی ز.، ۱۴۰۰. مقایسه‌ی شمایل‌نگاری و موضوعی سنگ‌نگاره‌های گورگتان نیکشهر و بندیک گشت سراوان. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۶ (۱): ۴۷-۶۴.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲- استادیار باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان jozi@hamoon.usb.ac.ir
* نویسنده مسئول: maryamyaghezahi1397@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

مقدمه

در سرزمین ایران، نقوش صخره‌ای متعددی به‌دست آمده و شمار زیادی از آن‌ها تا به امروز در مجلات و کتاب‌های مختلف تشریح و بررسی شده‌اند. این آثار صخره‌ای در نقاط مختلف از ایران شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به: آثار لاخ مزار و کال چنگال بیرجند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳)، نقوش دره دیوین و کمرنبشته توپسرکان همدان (صراف، ۱۳۷۶) و کوه ارنان یزد (شهرزادی، ۱۳۷۶)، صخره‌نگاره‌های جنوب قزوین (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای فراهان (پوربخشنده، ۱۳۸۶)، نقوش غار چشمه سهراب دینور (بیگلری و دیگران، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای خره هنجیران مهاباد (قیصریان و نادری، ۱۳۸۶)، نقوش اشکفت آهو هرمزگان (اسدی، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای منطقه اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶)، نقوش کنده سنگستون فلات مرکزی (قصریان، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای کوه دختر رشم دامغان (روستایی، ۱۳۸۶)، نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر (محمدی‌فر و همتی، ۱۳۹۳)، صخره‌نگاره‌های زه کلوت جازموریان (شیخ اکبری‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲)، سنگ‌نگاره‌های دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸)، سنگ‌نگاره‌های اسبفته یزد (آیتی‌زاده، ۱۳۹۳)، نقوش صخره‌ای مزرعه حاج مد و دره مرابیک همدان (رشیدی‌نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸)، سنگ‌نگاره دشت بیرم فارس (سرخوش و دیگران، ۱۳۹۲)، نقوش صخره‌ای پاسارگاد (عزیزی خرائقی، ۱۳۹۰) و بی‌شمار آثار دیگر اشاره کرد. از این منظر باید گفت که ایران یکی از کانون‌های اصلی نقوش صخره‌ای در جهان بوده؛ چرا که بی‌شمار مجموعه هنری از این دست آثار به‌دست آمده است. به‌طور کلی مطالعه این نقوش از دهه گذشته به تدریج در حال به‌دست آوردن جایگاهی در حوزه مطالعات باستان‌شناسی ایران است. فراوانی و پراکندگی این آثار صخره‌ای در نواحی مختلف ایران، این موضوع را به شاخه جدیدی از مطالعات باستان‌شناسی کشور تبدیل کرده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۱؛ به نقل از شیخ اکبری‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۶). باید گفت هنر صخره‌ای در مفهوم امروزی، فقط در برگیرنده نگاره‌هایی است که نقش‌مایه‌های عمده آن‌ها تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری، حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به‌صورت تک‌نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و فن اجرایی این

نقوش به شیوه کنده‌نگاره (Petroglyph) است (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳)؛ اما به‌طور کلی تمامی انواع کندن، ساییدن، خراشیدن، بریدن و خرد کردن را در برمی‌گیرد (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱). نقوش صخره‌ای گاه مرتبط به هم تصویر شده و گاه مجزا و بی‌ارتباط با هم هستند. اگرچه اغلب پژوهشگران این نقوش را به دوران پیش از تاریخ نسبت می‌دهند، اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ممکن است بسیاری از آن‌ها به ادوار تاریخی و حتی دوره‌های متأخرتر تعلق داشته باشند (فاضل، ۱۳۹۰: ۶۹، به نقل از معروفی‌اقدم و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۳۵). در ارتباط با نقوش صخره‌ای جنوب شرق ایران باید گفت در بررسی‌های باستان‌شناسی دو دهه اخیر در منطقه جنوب شرق ایران نیز همانند سایر نواحی دیگر، نگاره‌های صخره‌ای زیادی شناسایی و معرفی شده است که از آن جمله می‌توان به نقوش صخره‌ای میل خاش، نقوش صخره‌ای قصرقند و ... اشاره کرد. از جمله نقوش با ارزش دیگر این منطقه، صخره‌نگاره‌های گورگتان نیکشهر و بندیک سراوان است. آثار گورگتان شامل ۵ مجموعه نقوش صخره‌ای و در کل شامل ۴۵ صحنه نقوش، اعم از نقوش متنوع انسانی، گیاهی، حیوانی، هندسی و اشیاء؛ نقوش تلفیقی و نقوش نامشخص دیگر بوده که در ابعاد و اندازه‌های مختلف و به شیوه پتروگلیف (Petroglyph) یا کنده‌نگاره بر روی سطح سخت سنگ‌ها بریده و نقر شده‌اند. از جمله سنگ‌نگاره‌های با ارزش دیگر منطقه که از نظر نقش و نگار، فن ایجاد و موضوعات به تصویر کشیده شده، بسیار نزدیک به نقوش گورگتان بوده؛ سنگ‌نگاره‌های بندیک سراوان است. در این راستا و با توجه به مطالب مذکور، نگارندگان به‌دنبال جواب منطقی هستند برای این سوالات که: سنگ‌نگاره‌های گورگتان و بندیک سراوان به چند گروه تقسیم و چه اشتراکاتی میان آن‌ها از نظر شمایل‌نگاری و موضوعی دیده می‌شود؟ و با توجه به مقایسه تطبیقی نقوش گورگتان و بندیک، این آثار متعلق به چه ادواری هستند؟ به‌طور کلی مقایسه تطبیقی میان نقوش موجود در این دو مکان و همچنین اشتراکات موضوعی و شمایل‌نگاری که در میان آن‌ها وجود دارد، نشان از تعلق هر دو آثار به یک منطقه و همچنین مردمانی با فرهنگ‌های یکسان و مشابه دارد.

دریا و طول جغرافیایی $28^{\circ} 35'$ و عرض جغرافیایی $31^{\circ} 31'$ در محلی قرار گرفته است که دو دره‌ی دارای رودخانه فصلی از محدوده‌ی آن می‌گذرد. جهت یکی از این دو دره و رودخانه از غرب به شرق و دیگری از شمال به جنوب است که در یک نقطه به هم می‌پیوندند. موقعیت سنگ‌نگاره‌ها که به صورت G1 تا G5 (Gwargatān 1-5) نام‌گذاری شده‌اند، در مسیر دره‌ی غربی-شرقی و سه مکان در محل تلاقی دره غربی-شرقی و دره‌ی شمالی-جنوبی قرار دارند. فاصله‌ی مکان اولین سنگ‌نگاره (G1) تا آخرین سنگ‌نگاره (G5) در محل تلاقی دو دره حدود ۱۵۰۰ متر است و روستای گورگتان در حد فاصل این دو نقطه واقع شده است

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و تاریخی و بر اساس نتایج حاصل از مطالعات و بررسی‌های میدانی صورت‌گرفته در محوطه مورد نظر است. جهت استناد کامل و مطالعه دقیق نگاره‌های سنگی یافته شده در گورگتان، از منابع کتابخانه‌ای و همچنین تطبیق با آثار مشابه موجود در سایر مناطق دیگر ایران نیز استفاده شده است. در روش میدانی ضمن نقشه‌برداری دقیق از محوطه و بررسی کلی نگاره‌های موجود، طرح-برداری و همچنین مستندنگاری از تمامی نقوش موجود صورت‌گرفته و مراحل پاک‌سازی نقوش، تشخیص و ثبت اطلاعات از کل نمونه‌ها، طراحی و عکاسی به‌صورت کامل و دقیق به انجام رسیده است. جدای از بررسی‌های میدانی، در روش اسنادی یا کتابخانه‌ای نیز تمامی داده‌ها و اسناد تاریخی مربوط به محوطه گورگتان و بندیک، چه در متون تاریخی و جغرافیایی و چه در گزارش‌های حاصل از فعالیت‌های میدانی پیشین، جمع‌آوری شده و از سایر منابع دیگر متخصصین که در ارتباط با نقوش صخره‌ای ایران به رشته تحریر درآمده، استفاده و مقایسه شده است.

نقوش صخره‌ای گورگتان

در این منطقه پنج مجموعه نقوش صخره‌ای قرار گرفته که با نام‌های G1 تا G5 (Gwargatān 1-5) نام‌گذاری شده‌اند (شکل ۱). فاصله‌ی مکان اولین سنگ‌نگاره تا آخرین سنگ‌نگاره در محل تلاقی دو دره حدود ۱۵۰۰ متر است و روستای گورگتان در حد فاصل این دو نقطه واقع شده

پیشینه مطالعاتی سنگ‌نگاره‌های گورگتان و بندیک

در استان سیستان و بلوچستان مانند دیگر استان‌ها مطالعاتی در زمینه نقوش صخره‌ای صورت گرفته است. نخستین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مربوط به شهرستان خاش بوده که در سال ۱۹۶۰ از سوی گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی صورت گرفته است (Dessau, 1960). از جمله مهم‌ترین بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته دیگر در ارتباط با نقوش صخره‌ای این منطقه می‌توان به بررسی دره نگاران شهرستان سراوان از سوی محمد حیدری (حیدری، ۱۳۸۲)، بررسی باستان‌شناختی شهرستان سراوان از سوی حسین سرحدی دادیان در سال (سرحدی دادیان، ۱۳۸۹) و بار دیگر با همکاری آقای حسین مرادی (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹) و همچنین پژوهش‌های فرشته سرحدی و حسین مرادی در همین منطقه (2013)، مطالعه و شناسایی سنگ‌نگاره‌های شهرستان سرباز و در ارتفاعات دهستان‌های میناب در شرق، بخش مرکزی از سوی نوذر حیدری (۱۳۸۸)، بررسی سنگ‌نگاره‌های شهرستان نیکشهر و بررسی سنگ‌نگاره‌های چابهار از سوی روح‌اله شیرازی (۱۳۸۹) اشاره کرد. علاوه بر موارد مذکور می‌توان به چندین پایان‌نامه در ارتباط با نقوش صخره‌ای منطقه همچون «تحلیل شمایل‌نگاری و گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های قصرقند نیکشهر» (سلطانی، ۱۳۸۹)، «بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های تفتان جنوبی؛ مطالعه موردی تمندان» (افروزه، ۱۳۹۵)، «بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های خاش» (شعلی‌بر، ۱۳۹۶) و «مطالعه تطبیقی و شمایل‌نگاری سنگ‌نگاره‌های دره بندیک» (دهواری، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

موقعیت محوطه گورگتان

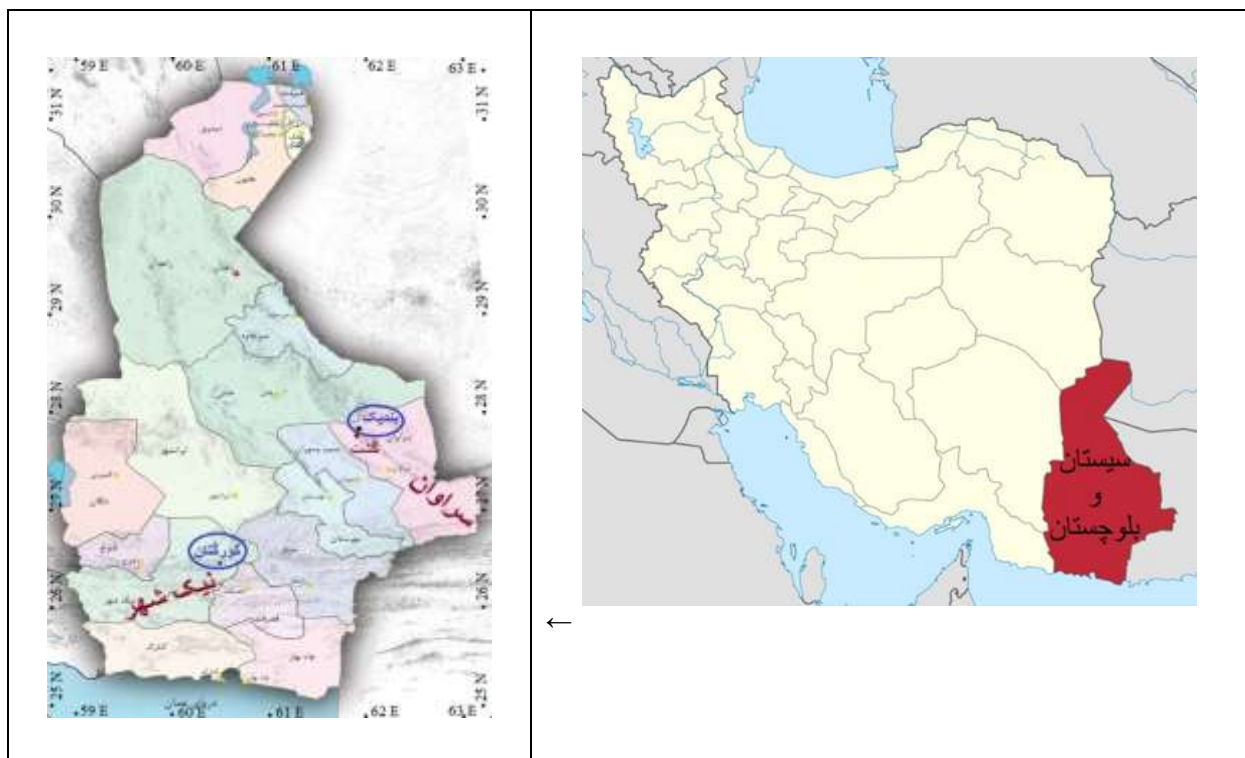
روستای گورگتان در شهرستان نیکشهر از توابع استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این منطقه در دهستان مهبان بخش مرکزی و در ۶۰۶ متری جنوب غربی روستای گریگ قرار دارد (برجسته دلفروز، ۱۳۹۷: ۸). گورگتان نسبت به سایر مناطق گرم و خشک نیکشهر چند درجه خنک‌تر است و در یک مسیر کوهستانی، در کنار رودخانه‌ای با همین نام واقع شده است. وجه تسمیه گورگتان به معنی «کنارگت» یا «کنار منطقه یا محل صعب‌العبور و غیر قابل دستیابی» می‌باشد. روستای کوهستانی گورگتان با ارتفاع تقریبی ۱۳۳۰ متر از سطح

ارتباط مستقیم انسان گذشته با طبیعت اطرافش ناشی شده‌اند. گاه این نشانه‌ها در بردارنده‌ی مفاهیم اسطوره‌ای و گاه بیان‌کننده‌ی شیوه معیشت و گذران زندگی آن‌ها (شکار و ...) است. بنابر گفته‌ی لورا گوران، انسان‌های هنرمند نخستین، معمولاً فقط به نقاشی جانورانی مشغول می‌شدند که در زندگی روزمره‌ی خود با آن‌ها سروکار داشته‌اند (لورا گوران، بی‌تا: ۸؛ به نقل از شریفی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸). حیوانات به تصویر کشیده شده در نگاره‌های گورگتان، در ابعاد و اندازه‌های مختلفی ایجاد شده‌اند. این نگاره‌ها اکثراً به شیوه خلاصه‌انگاری (Abstract) و استلیزه ایجاد شده‌اند و تنها در تعداد محدودی از آن‌ها تا حدودی به جزئیات بدن حیوان و حجم آن به صورت مختصر اشاره شده است. به‌طور کلی نقوش حیوانات موجود در صخره‌نگاره‌های گورگتان در گروه‌های بز کوهی، قوچ، جبیر، گاو کوهان‌دار، شتر کوهان‌دار، اسب، گربه‌سانان و سگ‌سانان قابل تفکیک است. در میان نگاره‌های گورگتان، تعدادی نگاره گیاهی نیز موجود است که در میان آن‌ها نقش درخت نخل بیشترین کاربرد را داشته است. شاید قرارگیری نقوش درختان نخل در کنار نقوش حیواناتی همچون بز را این چنین بتوان توصیف کرد که هدف نگارگر، به تصویر کشیدن چراگاه و محل چرای حیوانات و بیرون از محدوده سکونت روستایی باشد. علاوه بر نقوش مذکور، نگاره‌های هندسی ساده و نمادین نیز در گورگتان و بر روی سنگ‌ها نقش بسته که ابتدایی‌ترین تفسیر و برداشت از آن‌ها این بوده که احتمالاً این نگاره‌ها دارای مفاهیم نمادینی در ورای خود هستند. نقوش دایره یا چرخ، خورشید، لوزی، سواستیکا (چلیپا)، نقش شطرنجی، کنگره‌ای و پروانه‌ای از مهم‌ترین نگاره‌های هندسی در گورگتان هستند.

است. مجموعه صخره‌ای G1 روی هم شامل ۵ صحنه، مجموعه G2 شامل ۲ صحنه، مجموعه G3 شامل ۵ صحنه، مجموعه G4 شامل ۲۹ صحنه و در نهایت مجموعه G5 نیز شامل ۴ صحنه نقوش و نگاره‌های مختلف هستند. نقوش به تصویر کشیده شده در گورگتان همانند اکثر مجموعه‌های دیگر ایران، متنوع بوده و نگاره‌های متنوعی را در برمی‌گیرد که شامل: نقوش انسانی (۳۷ نگاره)، نقوش حیوانی (۱۳۳ نگاره)، نقوش گیاهی (۹ نگاره)، نقوش هندسی و نمادین (۱۳ نگاره) و نقوش نامشخص است (شکل ۲). نگاره‌های انسانی به تصویر کشیده شده در مجموعه گورگتان در صحنه‌های متفاوتی دیده می‌شوند. در این نگاره‌ها در بیشتر موارد نگاره انسان به صورت منفرد و در حالت‌های مختلفی همچون نگاره انسان با کمان و شلاق، نگاره انسان ملبس، نگاره انسانی برهنه، نگاره انسانی با بدنی مثلثی، نگاره انسان در حالت عادی، نگاره انسان با دستان باز و کشیده، نگاره انسان با دستان به کمر زده و ... به نمایش درآمده است و در برخی از موارد نیز در صحنه‌های روایی و موضوعی از جمله سوار و یا در حال شکار و تیراندازی دیده می‌شود. در گورگتان چندین نقش انسانی نیز به صورت دسته‌جمعی و یا خانوادگی به چشم می‌خورد. در میان سایر نقوش به تصویر کشیده شده در صخره‌نگاره‌های گورگتان، نقوش حیوانات مختلف روی این صخره‌ها، بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. تقریباً در میان تمامی مجموعه نقوش صخره‌ای موجود در منطقه، حداقل یک نگاره حیوانی نیز دیده می‌شود. نقر و کنده‌نگاری نقوش حیوانی در اغلب نقوش صخره‌ای موجود در سایر نواحی ایران، معمولاً همواره بیشترین آمار را داشته و به نظر می‌رسد که کندن نمادین نقوش حیوانی در میان مردمان این منطقه بیش از سایر نقوش دیگر مورد توجه بوده است. باید عنوان کرد که نقوش حیوانی از



شکل ۱- دره گورگتان و نقوش صخره‌ای موجود در آن (برجسته دلفروز، ۱۳۹۷)



شکل ۲- موقعیت مجموعه نقوش صخره‌ای گورگتان و بندیک در استان سیستان و بلوچستان نسبت به یکدیگر

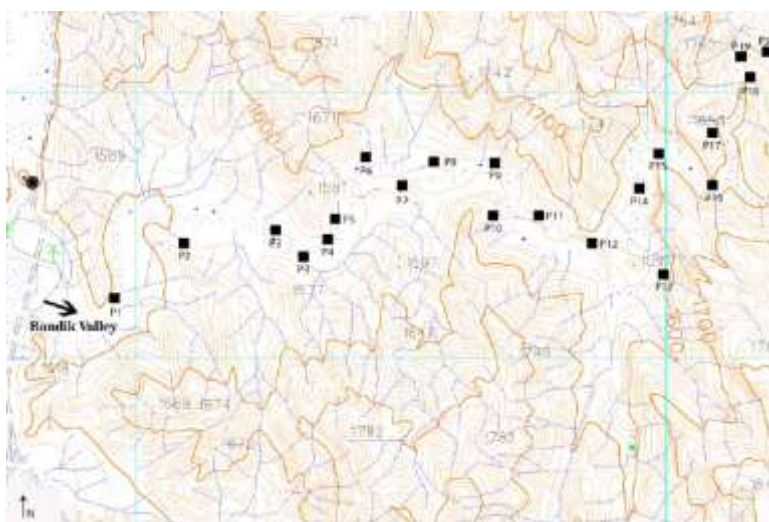
بندی شده‌اند که این تقسیم‌بندی همانند گورگتان بر اساس تمرکز صحنه‌ها در محل یا کثرت نقوش در صحنه انجام شده است (شکل ۳). نقوش موجود در دره بندیک در مجموع در چهار گروه کلی انسانی، حیوانی، هندسی و نمادین و ابزارآلات (شکار و رزم) قابل تقسیم است. نقوش انسانی پس از نقوش حیوانی در بندیک، بیشترین تعداد از سنگ‌نگاره‌ها را تشکیل می‌دهد. این نقوش در حالت‌های مختلف عادی، با دستان باز و گشاده، با دستان به کمر زده، برهنه و پوشیده، با بدن مثلثی در حال برگزاری

نقوش صخره‌ای بندیک

سنگ‌نگاره‌های بندیک در دره بندیک و در فاصله دو کیلومتری شرق شهرستان گشت قرار دارند. طول تقریبی این دره در حدود هفت کیلومتر است و فاصله ابتدایی دره تا انتهای آن که نگاره‌ها در آن شناسایی شده‌اند، ۵/۱۸ کیلومتر است. ارتفاع این منطقه از سطح دریا در ابتدای دره در حدود ۱۴۸۲ متر بوده که در انتهای آن و در آخرین نقطه از نقش‌ها به ۱۶۴۷ متر می‌رسد. در مجموع سنگ‌نگاره‌های دره بندیک در ۲۰ مجموعه مجزا تقسیم-

دیگر، در دره بندیک به کار گرفته شده است. این نگاره‌ها شامل نقش‌هایی همچون: چهارضلعی‌ها دوایر یا چرخ، نقوش شطرنجی یا شبکه‌ای، سواستیکا، نگاره‌های دست و پا و .. هستند. غیر از نقوش مذکور، ابزارهای نقش بسته در بندیک و در استان افراد نیز در نوع خود جالب توجه هستند که تمامی این ادوات مرتبط با شکار و نبرد هستند. در میان ابزارها تیر و کمان بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است که هم در شکار حیوانات و هم در صحنه‌های نبرد به تصویر کشیده شده است. نگاره خنجر، گرز و نیزه نیز در صحنه‌ها و نگاره‌های بندیک به وفور دیده می‌شوند.

مراسم آیینی و اجرای رقص، حالت‌های احترام، در حال شکار و ... ایجاد شده‌اند و در حالت کلی به دو گروه نقوش انسانی سواره و نقوش پیاده تقسیم می‌شوند. نگاره‌های سواره شامل انسان سوار بر اسب، مردان سوار بر شتر و نقش فردی سوار بر پشت بز کوهی به نمایش گذاشته شده است. به‌طور کلی عموم نقش‌های انسانی سواره در بندیک در حالت شکار یا نبرد به تصویر کشیده شده‌اند (دهواری، ۱۳۹۷: ۱۹۶). دومین گروه از نقوش در دره بندیک، نگاره‌های حیوانی هستند که شامل نقوش بز کوهی، قوچ، گور ایرانی، مارخور، یوزپلنگ، شتر، پلنگ، شیر، سگ، مار، جبیر، خرس، عقرب و ... هستند. نگاره‌های هندسی و نمادین نیز در کنار نقوش حیوانی و انسانی و سایر نقوش



شکل ۳_ موقعیت قرارگیری نقوش در طول دره بندیک (دهواری، ۱۳۹۷: ۲۳)

زمینه‌های اشتراکات شکلی و نوع نقوش، اشتراکات فنی و سبکی، اشتراکات موضوعی در نقوش با یکدیگر قابل قیاس هستند.

۱. اشتراکات شکلی و نوع نقوش در صخره‌نگاره‌های گورگتان و بندیک

شمایل‌نگاری و نوع نقوش موجود در دو منطقه گورگتان و بندیک، بسیار مشابه هم است. این دو مجموعه از منظر نوع نگاره‌های انسانی، نگاره‌های حیوانی و نقوش هندسی و نمادین قابل مقایسه و تطبیق با یکدیگر هستند.

الف) نقوش انسانی

حضور نقش انسان در مجموعه‌ی گورگتان به نسبت نقوش حیوانی کمتر بوده و این نگاره‌های انسانی آمار کمتری را نسبت به نگاره‌های حیوانی به خود اختصاص داده‌اند.

تحلیل مقایسه‌ی شمایل‌نگاری و موضوعی سنگ‌نگاره‌های گورگتان و بندیک

یکی از مهم‌ترین نقوش صخره‌های موجود در ایران، که به لحاظ نوع نگاره و مضمون بسیار نزدیک به سنگ‌نگاره‌های گورگتان است. سنگ‌نگاره‌های دره بندیک است. نقوش موجود در هر دو منطقه مذکور، دارای تشابهاتی هستند که آن را نمی‌توان اتفاقی پنداشت. علاوه بر اشتراکات موضوعی، وجود اشتراکات شکلی و سبکی در نقوش دو منطقه، این فرض را که این نقوش متعلق به یک دوره تاریخی و از سوی یک گروه از مردمان محلی منطقه که دارای اعتقادات و فرهنگ مشترک بوده ایجاد شده، را قوت می‌بخشد. مطالعات صورت گرفته بر روی نقوش صخره‌ای گورگتان و بندیک نشان می‌دهد که این دو مجموعه در

مردان)، نقوش انسانی با دستان باز و کشیده، نقوش انسانی با دستان جمع شده یا به کمر زده و نقوش انسانی با بدن مثلثی است. در گورگتان و بندیک، در بیشتر موارد نگاره انسان به صورت منفرد و در حالت‌های مختلفی به نمایش درآمده است و در برخی از موارد نیز در صحنه‌های روایی و موضوعی از جمله انسان سوار و یا در حال شکار و تیراندازی دیده می‌شود (جدول ۱).

نگاره‌های انسانی در کنار نقوش حیوانی در گورگتان و بندیک، نقش محوری در بخش بیشتری از سنگ‌ها دارد؛ به طوری که بر روی بیشتر آن‌ها حداقل یک یا چند نقش انسانی در حالات گوناگون به تصویر کشیده شده است. نوع نقوش انسانی مشترک در گورگتان و بندیک شامل حالت‌های مختلف: نقوش انسان سوارکار بر روی اسب، نقوش انسان کماندار، نقوش انسان برهنه و یا پوشیده (زنان و

جدول ۱- مقایسه نقش سوارکاران در بندیک و گورگتان

ردیف	نوع نقش	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	انسان سوارکار		
۲	انسان کمان‌دار		
۳	انسان برهنه		
۴	انسان با دستان باز		
۵	انسان با دستان جمع شده		
۶	انسان با بدن مثلثی		

نقش بز کوهی موجود نباشد. مطالعه آثار بر جامانده از دوران پیش از تاریخ ایران، پراکندگی زیادی در توزیع حضور نقش‌مایه بز کوهی در ایران باستان بوده است (افضل‌طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶). در نقوش صخره‌ای گورگتان، نگاره بز کوهی به سه شیوه بز کوهی با بدن خطی، بز کوهی با بدنی مثلثی و بز کوهی با بدنی مستطیلی به نمایش درآمده که هر سه مورد از ویژگی‌های کلی این نقوش در نقش‌های بز کوهی در بندیک نیز به‌وفور به‌کار گرفته شده است. در میان گونه‌های مذکور، بز کوهی با بدنی خطی و استلیزه، بیشترین آمار را هم در گورگتان و هم در بندیک به خود اختصاص داده است (شکل ۴).

ب) نقوش حیوانی:

نگاره‌های حیوانی گورگتان، تماماً دارای وجه مشترکی با نقوش حیوانی موجود در بندیک هستند. باید عنوان کنیم که این دسته از نگاره‌ها هم از نظر نوع و شمایل‌نگاری و هم از منظر سبکی قابل مقایسه با یکدیگر هستند. به‌طور کلی نگاره‌های حیوانی مشترک موجود در گورگتان و بندیک شامل موارد زیر است:

ب-۱. **نقش بز کوهی:** نگاره بز در نقوش صخره‌ای گورگتان، بیشترین آمار را در میان نقوش حیوانی و سایر نقوش دیگر به خود اختصاص داده است. این نقش در اکثر صخره‌نگاره‌های موجود در ایران، همواره بیشترین حضور را داشته و کمتر سنگ‌نگاره‌هایی یافت می‌گردد که در آن‌ها



شکل ۴- مقایسه نگاره بز در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

سمت کمر حیوان نبوده، بلکه شاخ آن ضمن آن که در بالای سر قرار گرفته، پیچ خورده و بر خلاف فرم بدن حیوان که از نیم‌رخ به تصویر کشیده شده، شاخ‌ها در دو طرف سر و به صورت تمام‌رخ به تصویر درآمده‌اند (شکل ۵).



شکل ۵- مقایسه نگاره قوچ در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

تشخیص است. شاخ‌های غزال نه مانند بز کوهی بلند و دارای قوس کشیده بوده و نه مانند قوچ به شکل حلزونی و در بالای سر پیچ خورده است، بلکه شاخ‌های این حیوان معمولاً در بالای سر و به صورت نسبتاً بلند و مستقیم و با قوسی خیلی کمی به طرف بالا ادامه یافته است. این ویژگی هم در نقوش جبیره‌های گورگتان و هم در نقوش جبیر بندیک به خوبی رعایت شده و دیده می‌شود (شکل ۶).

ب- ۲. نقش قوچ: تشخیص نگاره قوچ نسبت به دیگر نقوش همچون بز و ... در نقوش صخره‌ای تنها از طریق شاخ‌های پیچان آن امکان‌پذیر است. در نگاره‌های بندیک و گورگتان در چند مورد، نگاره قوچ به همان سبک‌های بز کوهی روی صخره‌ها به نمایش درآمده، با این تفاوت که در این‌جا، شاخ حیوان دیگر دارای قوس کشیده و بلند به

ب- ۳. نقش جبیر یا غزال: نگاره غزال یا جبیر به صورت محدود و شامل چندین مورد در گورگتان و همچنین در نقوش صخره‌ای بندیک مورد استفاده قرار گرفته است. نقش این حیوان از نظر فرمی و شکلی مشابه بز کوهی و قوچ است. بدن حیوان به صورت کنده خراشی - کوبشی به اجرا درآمده و استلیزه است. تفاوت نقش جبیر با حیوانات مذکور تنها در شاخ‌های آن است که به خوبی در نقوش صخره‌ای بندیک و گورگتان به تصویر کشیده شده و قابل



شکل ۶- مقایسه نگاره جبیر یا غزال در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

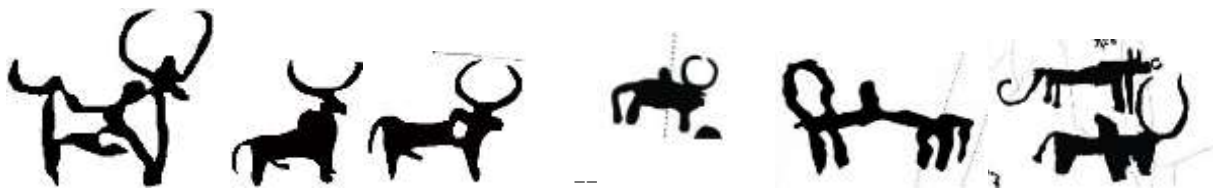
کوبشی و کوبشی - خراشی روی صخره‌ها نقش بسته‌اند که ویژگی مشترک آن‌ها با نگاره‌های شتر در بندیک است. بر خلاف گورگتان، در بندیک شتر یک کوهانه دیده نمی‌شود و تمامی شترهای کنده شده بر روی صخره‌ها، دو کوهانه هستند. نگاره شترها در هر دو مجموعه معمولاً با گردنی بلند و کشیده دیده می‌شوند. تنوع نگاره شتر در بندیک بسیار بیشتر از گورگتان است (شکل ۷).

ب- ۴. نقش شتر: نگاره شتر در گورگتان به دو صورت یک کوهانه بر روی صخره‌ها کنده‌نگاری شده است. نقش شترها در میان سایر نقوش دیگر حیوانی به نمایش درآمده‌اند و بر خلاف نمونه‌های موجود در بندیک که دارای ساریان و افسار بوده و افرادی بر پشت آن‌ها سوارند؛ در این‌جا این ویژگی‌ها دیده نمی‌شود و تنها به صورت منفرد به نمایش درآمده‌اند. در گورگتان، شترها به شیوه



شکل ۷- مقایسه نگاره شتر در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

خطوط محیطی آن‌ها در برخی نیز نمایش داده شده است. این ویژگی‌های کلی تماماً در نقوش صخره‌ای بندیک نیز رعایت شده، به طوری که در این جا نیز گاوها به دو صورت خطی و استیلیزه و با طرح محیطی آن و تا حدودی واقع-گرایانه بر روی سنگ‌ها کنده شده است. نگاره گاو در بندیک به نسبت گورگتان آمار بیشتری را به خود اختصاص داده است (شکل ۸).



شکل ۸- مقایسه نگاره گاو کوهان دار در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

دیگر همچون گاو کوهاندار و شتر و ... دیده می‌شوند که این ویژگی‌ها در نقوش بندیک نیز به همین صورت بوده و قابل قیاس با نمونه‌های گورگتان است. نکته جالب توجه در نقوش سگ‌سانان در گورگتان و بندیک، به تصویر کشیدن چند نمونه از این حیوانات با جسه‌ای بزرگتر نسبت به انسان بوده که این ویژگی نسبت به نگاره بزها نیز صدق می‌کند. در گورگتان و بندیک تعدادی از نقوش سگ‌ها بزرگ‌تر از اندازه حیوانات دیگر بوده و گاهی حجم بدن آن‌ها همچون حجم بدن یک گاو است. که این امر شاید به دلیل اهمیت نقش سگ در جوامع شکارگر و روستایی آن دوران بوده است (شکل ۹).

ب- ۶. نقوش سگ‌سانان: در نقوش صخره‌ای گورگتان، نقوش متنوع زیادی بر روی صخره‌ها کنده شده است که در نگاه کلی همانند یک سگ و یا خانواده سگ‌سانان به نظر می‌رسد. با توجه به حضور این حیوانات در صحنه‌های روزمره و صحنه‌های شکار به نظر می‌رسد که سهم بیشتر این نگاره‌ها متعلق به سگان اهلی بوده که از ادوار پیش از تاریخ همگام و همیار انسان‌ها در شکار و گله‌داری و ... به-شمار می‌روند. در نگاره‌های سگ‌سانان به مانند سایر نقوش دیگر موجود در مجموعه گورگتان، از تکنیک خراش و کوبشی استفاده شده است. نقوش موجود به صورت خلاصه‌انگاری (Abstract) و استیلیزه به نمایش درآمده‌اند و اغلب این حیوانات در قالبی کوچک از نقوش حیوانات



شکل ۹- مقایسه نگاره سگ‌سانان در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

افرادی در حال شکار گربه‌سانان نشان داده شده که این صحنه‌ها در گورگتان موجود نیست و معمولاً در گورگتان، نگاره‌های متعلق به گربه‌سانان یا به‌صورت منفرد و یا در کنار نقوش دیگر و سایر حیوانات قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی در گورگتان پنج نقش گربه‌سان موجود است. این نگاره در بندیک بسیار متنوع‌تر بوده و به مقدار زیاد و در صحنه‌های گوناگون به تصویر درآمده است (شکل ۱۰).

ب- ۷. نقوش گربه‌سانان: نگاره گربه‌سانان در گورگتان و بندیک به‌صورت محدود دیده می‌شود. این نگاره‌ها در هر دو منطقه به‌صورت کوبشی و کوبشی - خراشی و خطی اجرا شده‌اند و در آن‌ها تا حدودی به حجم بدن حیوان توجه شده است. شیران و پلنگ‌هایی با بدن کشیده از جمله نقوش گربه‌سان مشترک در گورگتان و بندیک بوده و که از روی فرم کلی بدن آن‌ها تا حدودی می‌توان نوع حیوان را تشخیص داد. در بندیک در چندین صحنه



شکل ۱۰- مقایسه نگاره گربه‌سانان در گورگتان (راست) و بندیک (چپ)

این دسته از آثار نیز، وجه مشترک میان دو مجموعه می‌باشند. هرچند که امروزه نگاره‌های هندسی به‌صورت کاملاً ساده و بدون توجه خاصی به نظر می‌رسند، اما باید عنوان کرد که بیشتر این دسته از نگاره‌ها دارای معانی نمادینی در ورای خود بوده و به‌عنوان نقشی مفهومی از سوی گذشتگان مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طور کلی در نقوش صخره‌ای گورگتان انواع نقوش هندسی، دایره و چرخ چهار پره، نقوش شبکه‌ای، نقش پروانه‌ای شکل، نقوش سواستیکا یا چلیپا، نقش خورشید، نقش کنگره‌ای شکل، نقش نردبانی، نقوش لوزی و ... مورد استفاده قرار گرفته است که از میان آن‌ها سه نگاره هندسی: سواستیکا یا چلیپا، دایره یا چرخ چهار پره و نگاره شبکه‌ای در مجموعه نقوش صخره‌ای بندیک نیز شناسایی شده که قابل قیاس با یکدیگر هستند (جدول ۲).

ج) نقوش هندسی و نمادین:

به‌طور کلی در میان سایر نقوش صخره‌ای موجود در نقاط مختلف ایران، نگاره‌های هندسی و نمادین، در کنار نقوش انسانی، حیوانی و ... آمار قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. این دسته از آثار در صحنه‌های مختلف و به‌صورت منفرد و تکی بر روی صخره‌ها کنده‌نگاری شده‌اند و شاید جزء مرموزترین نقوش صخره‌ای در اکثر مناطق باشند که نیاز به تحلیل و نمادشناسی دقیقی دارند. نگاره‌های هندسی یا نمادین در نقوش صخره‌ای ایران شامل نقوش مربع، مستطیل، دایره و یا طیفی از اشکال دایره، چلیپا یا صلیب، مثلث، نقوش هندسی نامنظم، نقوش نعل اسبی شکل، علائم و نشانه‌ها و اشکال نامشخص می‌باشند (قسیمی، ۱۳۹۸: ۳۸). در کنار نقوش انسانی و حیوانی مشترک در سنگ‌نگاره‌های گورگتان و سنگ‌نگاره‌های بندیک، نقوش هندسی و نمادین زیادی نیز وجود دارد که

جدول ۲- مقایسه تطبیقی نقوش هندسی و نمادین در گورگتان و بندیک

ردیف	نوع نقش	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	چلیپا		
۲	چرخ		
۳	شطرنجی یا شبکه‌ای		

۲. اشتراکات موضوعی در نقوش صخره‌ای گورگتان و

بندیک

صحنه‌ها و تصاویر نقش‌بسته بر روی بسترهای سنگی حاصل تفکرات و یا موضوعاتی بوده‌اند که در زندگی روزمره انسان‌های دوره‌های گوناگون اهمیت و نقشی خاص داشته‌اند. موضوعاتی مانند مراسم‌های آیینی، نبرد (رزم واقعی یا نمایشی)، طبیعت (گیاهان، جانوران)، علائم نمادین و مفهومی و غیره در هنر صخره‌ای ایران به چشم می‌خورد، اما فراوانی تصاویر شکار اهمیت بیشتر این موضوع را نزد مردمان دوره‌های گوناگون را برای ما روشن می‌سازد (قسیمی، ۱۳۹۸: ۳۸). در نقوش صخره‌ای گورگتان و بندیک، نقوش هم به‌صورت تک‌نگاره و منفرد بر روی صخره‌ها و هم به‌صورت گروهی و در یک صحنه دیده می‌شوند. مطالعات صورت‌گرفته بر روی نقوش این دو مجموعه نشان دهد که در این آثار صخره‌ای سه موضوع شکار، زندگی روزمره و طبیعت (حضور گیاهان و حیوانات و نقوش نمادینی همچون خورشید در کنار هم) با یکدیگر قابل قیاس بوده و در هر دو مشترک هستند.

الف: صحنه‌های شکار:

ایجاد طرح‌ها و آفرینش نقش شکار و شکارگری بر روی دیواره غارها و سینه صخره‌ها از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین صحنه‌هایی بوده که انسان به خلق آن پرداخته است. شکار حیوانات از مواردی است که در دوره‌های مختلف، به شیوه‌ها و به کمک ابزارهای متفاوتی صورت پذیرفته است

(دهواری، ۱۳۹۷: ۲۱۰)، به‌طوری‌که در نقوش اولیه شکار حیوانات معمولاً به‌صورت گروهی و با ابزارهایی همچون چماق و ... انجام می‌گرفته و در ادوار جدیدتر و دوره‌های بعدی، این کار علاوه بر گروه‌های انسانی، به‌صورت فردی نیز به تصویر کشیده شده و معمولاً در دست افراد این دوره‌ها، تیر و کمان و ... قرار دارد و برخی از آنها بر اسب سوارند. در نقوش صخره‌ای بندیک در دو صحنه، موضوع شکار حیوانات به تصویر کشیده شده است. در این‌جا در یک صحنه، فرد کمان‌دار در حالی که بر پشت یک اسب سوار است، کمان خود را رو به طرف نگاره دو گربه‌سان نشانه رفته است. در صحنه‌ای دیگر نگاره انسانی به‌صورت پیاده و در حالی که تیر و کمان خود را به‌سمت یک بز کوهی نشانه رفته، به نمایش درآمده است. در هر دو صحنه گورگتان، تیر و کمان به‌عنوان ابزار شکار مورد استفاده قرار گرفته است. این ابزار در صحنه‌های شکاری بندیک نیز دیده می‌شود و معمولاً در دست افرادی که سواره‌اند و یا به‌صورت پیاده به شکار می‌پردازند، نقش بسته است. در بندیک علاوه بر تیر و کمان، از ابزارآلات دیگری همچون نیزه و ... نیز در صحنه‌های شکار حیوانات بهره برده شده است که این ادوات در گورگتان به‌کار گرفته نشده است. به‌طور کلی نقوش صحنه‌های شکار در گورگتان و بندیک هم از نظر تصاویر افراد و نوع پوشش و هم از نظر نگاره‌های حیوانی مورد شکار و فن ایجاد نگاره‌ها مشابه هم هستند (جدول ۳).

جدول ۳- مقایسه صحنه‌های شکار با تیر و کمان در گورگتان و بندیک

ردیف	نوع صحنه	ابزار مورد استفاده	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	شکار	تیر و کمان		
۲	شکار	تیر و کمان		

ب) صحنه‌های زندگی روزمره

در نگاره‌های صخره‌ای گورگتان و بندیک، نقوشی به‌صورت مجموعه‌ای وجود دارد که بازگو کننده امرار معاش و

زندگی روزمره مردمان گذشته بوده و به نوعی زندگی عادی آن‌ها را در طول روز نشان می‌دهد. این نقوش گاه تعدادی از نقش مردان و زنان را در کنار یک‌دیگر نشان

ابزارهایی همچون تازیانه و شلاق یا چماق قرار دارد که نشان از هدایت حیوانات به سمت خانه و یا به طرف چراگاه است. به‌طور کلی، نگاره‌های خانوادگی، صحنه‌های چرای حیوانات و به‌طور کلی چراگاهی، در گروه صحنه‌های روزمره زندگی جای می‌گیرند (جدول ۴).

می‌دهد و به نوعی نقشی خانوادگی است و گاه نیز نگاره انسان در کنار سایر نقوش دیگر همچون نقوش حیواناتی همچون بز کوهی، سگ و ... دیده می‌شود، که نوعی صحنه زندگی روزمره را نشان می‌دهد. در این نقوش گاه در دستان افرادی که در اطراف نقوش حیوانی قرار گرفته‌اند،

جدول ۴- مقایسه صحنه‌های زندگی روزمره در گورگتان و بندیک





ردیف	نوع صحنه	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	زندگی روزمره		
۲	زندگی روزمره		
۳	زندگی روزمره		

نشده و به نوعی محیط طبیعی زندگی مردمان گذشته و یا همان طبیعت اطراف آن‌ها را نشان می‌دهد. صحنه‌های مربوط به طبیعت محدود بوده و تنها چند مورد در بندیک و گورگتان به‌دست آمده است. در این صحنه‌ها معمولاً حیوانات اهلی چون بز کوهی، قوچ، گاو و سگ به نمایش درآمده‌اند (جدول ۵).

ج) صحنه‌های طبیعت پیرامون

در برخی از صحنه‌های موجود در گورگتان که نمونه کاملاً مشابه آن در بندیک نیز شناسایی شده است، نقوش حیوانی در کنار نقوش نمادینی همچون خورشید و یا نگاره‌های گیاهی مثل درخت نخل قرار گرفته‌اند. در این دسته از سنگ‌نگاره‌ها معمولاً نقوش انسانی به‌کار گرفته

جدول ۵- مقایسه صحنه‌های طبیعت در بندیک و گورگتان

ردیف	نوع صحنه	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	طبیعت		
۲	طبیعت		






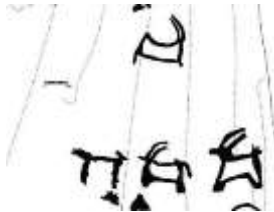


۳. اشتراکات فنی یا سبکی در صخره‌نگاره‌های


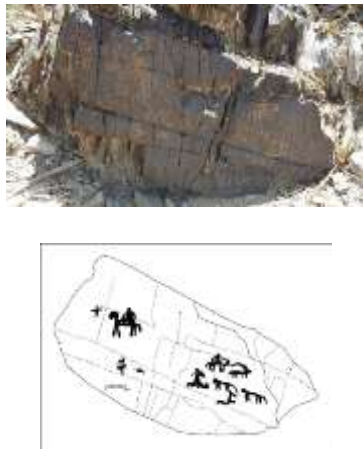
گورگتان و بندیک

مطالعات و بررسی‌های میدانی صورت گرفته روی نقوش صخره‌ای گورگتان نشان می‌دهد که در تمامی نقوش ایجاد شده در این منطقه، از شیوه نقاشی بر روی سنگ بهره برده نشده و تمامی نقوش به روش پتروگلیفی یا نقش کنده ایجاد شده‌اند. در این نقش‌ها هنرمند به کمک ابزارهای نوک‌تیز خود، سطح رویی سنگ‌ها را کنده و نقش مورد نظر خود را روی آن‌ها نقر کرده است. تمامی نقوش گورگتان بدین شیوه بر سطح رویی و صاف سنگ‌های سیلتی که متعلق به دوره سوم زمین‌شناسی هستند، ایجاد

شده است. این ویژگی نگاره‌ها در نقوش صخره‌ای بندیک نیز صدق می‌کند؛ به طوری که در این محل نیز نقوش تماماً به شیوه کنده یا پتروگلیفی ایجاد شده‌اند و از ابزارهای نوک تیز برای آن بهره برده‌اند. سبک پتروگلیفی یا نقش کنده خود به انواع و اقسام فنون تقسیم می‌گردد که در نقوش صخره‌ای گورگتان از چهار تکنیک: روش کنده کوبشی، روش کنده خراشی، روش کنده سوزنی بهره برده شده است که از میان تکنیک‌های مذکور، تنها فن سوزنی در نقوش بندیک دیده نمی‌شود (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه تطبیقی نقوش گورگتان و بندیک از منظر فن ایجاد نقوش به روش کنده کوبشی

ردیف	تکنیک ایجاد نقوش	محوطه گورگتان	محوطه بندیک
۱	کنده کوبشی	 	 
۲	کنده خراشی	 	 

		<p>کنده کوبشی - خراشی</p>	<p>۳</p>
---	--	-------------------------------	----------

تفسیر و تاریخ‌گذاری نقوش مورد مطالعه

مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته بر روی نقوش صخره-ای دره گورگتان و بندیک، نشان از تنوع نگاره‌های به تصویر کشیده شده در این دو مجموعه و اهمیت آن‌ها در مطالعه سایر نقوش صخره‌ای دیگر منطقه است و به نوعی می‌توان جایگاه مهم آن‌ها را در شناسایی تاریخ و فرهنگ کهن منطقه بازگو کرد. علاوه بر تنوع سبکی و فرمی در نقوش گورگتان و بندیک، ویژگی‌های کلی این نگاره‌ها و موضوعات و صحنه‌های نمایشی در نقوش آن‌ها درخور توجه فراوان است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، بخش بیشتر نقوشی که در گورگتان و بندیک موجود است؛ هم از منظر فرمی یا شکلی و هم از منظر فن و تنوع نقوش با یکدیگر قابل مقایسه و مشترکند. در ارتباط با تنوع نقوش موجود در این دو مجموعه باید اضافه کرد که، با توجه به انواع و اقسام نقوش اعم از انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی، نمادین و ... در آن‌ها، تا حدود زیادی می‌توان سیمای کلی فرهنگی منطقه را در ادوار گذشته بازسازی و تکمیل کرد. برای مثال حضور نگاره شتر در هر دو مجموعه به‌عنوان یک نقش نادر که تنها در این منطقه و یا شرق ایران مشاهده شده و در غرب و یا نواحی دیگر ایران به دست نیامده، نشان می‌دهد که فرهنگ مشترکی در هر دو منطقه مورد مطالعه وجود داشته و می‌توان به نوعی به تشابهات زیست‌محیطی و وضعیت جغرافیایی آن‌ها پی برد. این ویژگی را می‌توان از روی نقوش حیوانی مشترک دیگر همچون، قوچ، بز کوهی، جبیر، سگ، شیر و پلنگ و گاو کوهان‌دار و ... نیز تشخیص داد و بر اساس آن

محیط زندگی و جغرافیای زیستی را بازسازی کرد. علاوه بر موارد مذکور وجود موضوعاتی مشابه در نقوش صخره‌ای گورگتان و همچنین در نقوش صخره‌ای بندیک همچون صحنه‌های شکار، صحنه‌های زندگی روزمره، صحنه‌های افراد با پوشش مثلثی و خنجر به کمر زده، و صحنه‌های طبیعت نیز پیام خاصی را بازگو می‌کند و این موضوع را می‌رساند که در هر دو منطقه مورد مطالعه ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها نیز مشابه هم بوده است. این ویژگی‌های مشترک در سایر سنگ‌نگاره‌های تاریخی این منطقه قابل تشخیص است. از آن جمله نقوش سنگ‌نگاره‌های دره مرزبانیک (Moradi et al, 2014)، نقوش صخره‌ای دره نگاران (Sarhadi & Soltani, 2015) و نقوش قصرقند در اطراف رودخانه کاجو (Shirazi et al, 2016)، موضوعات مشترک و نقوش مشابه مناطق مورد مطالعه را دارا هستند. جدای از موارد مذکور، از مهم‌ترین مشکلاتی که در ارتباط با گاه‌نگاری و تعیین زمان دقیق ایجاد نقوش صخره‌ای وجود دارد، عدم امکان مطالعات آزمایشگاهی در ایران است، بنابراین تنها با انجام مطالعات تطبیقی و شناخت ماهیت و موضوعات نگاره‌ها، امکان تاریخ‌گذاری نسبی این دسته آثار موجود است. در سیستان و بلوچستان نیز با توجه به این که مطالعات باستان‌شناسی در ارتباط با نقوش صخره‌ای آن کمتر صورت گرفته؛ تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها دشوار بوده و تنها از طریق سبک، موضوع و مقایسه آنها می‌توان به تاریخی نسبی دست یافت (Sarhaddi, 2013: 7). در ارتباط با نگاره‌های گورگتان و بندیک نیز وضعیت به همین صورت است.

آشوریان پرداخت می‌کردند (Lahafian, 2013: 339). بیشتر پژوهشگران مجموعه‌هایی را که دارای نقوش اسب و سوارکار است، متعلق به هزاره‌ی دوم ق.م می‌دانند (Karimi, 2014: 133). هرچند باید گفت که این نگاره‌ها می‌تواند متعلق به ادوار جدیدتر نیز باشد. علاوه بر نقش اسب، نگاره شمشیر یا خنجر به تصویر کشیده شده در چندین صحنه از نگاره‌های گورگتان و بندیک نیز می‌تواند در تاریخ‌گذاری این آثار مفید واقع گردد. نقش شمشیر کوچک به تصویر کشیده شده از نظر شکل ظاهری شبیه خنجرهای اکیناکس در طی هزاره دوم و هزاره اول می‌باشد. نوع نگاره اکیناکس و همچنین پوشش این دسته از افراد نیز همانند پوشش اقوام سکایی بوده (دهواری، ۱۳۹۷: ۲۳۰) و با این احتمال می‌توان حداقل برخی از نگاره‌های گورگتان و بندیک را متعلق به هزاره اول و هزاره دوم قبل از میلاد دانست.

نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی نقوش صخره‌ای گورگتان و بندیک که از جمله مهم‌ترین و زیباترین آثار صخره‌ای در استان سیستان و بلوچستان و در کل ایران است، این موضوع را بازگو می‌کند که نوع نقوش و موضوع غالب این سنگ-نگاره‌ها، برگرفته از محیط پیرامون، زندگانی روزمره، جغرافیای منطقه و نگرش و اعتقادات جوامع ساکن در این منطقه است. مقایسه تطبیقی بین نقوش گورگتان و نقوش بندیک و همچنین سایر سنگ‌نگاره‌های موجود در ایران، نشان‌دهنده یکسان بودن مفاهیم، موضوعات و نقش‌مایه‌های به تصویر کشیده شده در آن‌هاست. نقوش موجود در گورگتان و بندیک بدون هیچ‌گونه تزئین و اضافات خاصی روی صخره‌ها کنده شده‌اند و این امر نشان می‌دهد که بیشتر این آثار در جهت زینت و تفنن نبوده، بلکه علاوه بر این که نوعی زندگی گذشتگان را به تصویر کشیده، در واقع تماماً از باورها و اعتقادات ذهن این مردمان سرچشمه گرفته و روی صخره‌ها خود را بروز داده است. مقایسه و بررسی نقوش صخره‌ای گورگتان و نقوش بندیک نشان می‌دهد که این آثار از نظر نقش‌مایه و موضوع صحنه‌های به کار گرفته شده، فن خلق نقوش و سبک ترسیم نقوش، خصوصاً در اکثر نگاره‌های انسانی، حیوانی و هندسی بسیار مشابه هم بوده و این خود نشان می‌دهد که خالق این دو دسته از آثار دارای فرهنگی واحد بودند. بسیاری از نمونه-

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها به مراتب دشوارتر از تاریخ‌گذاری آثار باستانی است علت آن، نخست آن که این حکاکی‌ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن‌ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته‌اند و مهم‌تر آن که متأسفانه هنوز راه‌های فنی دقیق و مستقیمی برای تعیین سن این آثار به دست نیامده است (حصارنوی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). بنابراین در مطالعه و تاریخ‌گذاری این دسته از آثار باید عوامل متعدد زیادی را در نظر گرفت. کیفیت نقوش، نوع ماندگاری آن‌ها، وجود نقوش و علائم و نشانه‌های دیگر، مقایسه نقوش با نمونه‌های مشابه، نوع نگاره‌ها و ... همگی از عوامل بسیار مؤثر در تعیین تاریخ و قدمت نگاره‌های صخره‌ای به‌شمار می‌رود (شریفی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳). علاوه بر موارد مذکور، در جهت تاریخ‌گذاری نسبی سنگ-نگاره‌ها از راه‌های زیر نیز می‌توان بهره برد: بررسی و تحقیق در نوع حیوانات (وحشی و اهلی با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات)، نوع ابزارآلات (شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و تفنگ و نیزه)، نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آن‌ها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره (قربانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۸). اسب از جمله نقوش حیوانی به‌کار رفته در گورگتان و بندیک بوده، به‌طوری‌که در برخی از صحنه‌ها، فردی بر پشت آن سوار است و به حالت عادی و یا در حالی که افسار را به دست گرفته به نمایش درآمده است. همان‌طور که ذکر شد، یکی از مهم‌ترین راه‌های تاریخ‌گذاری نسبی نقوش صخره‌ای، توجه به نوع و ماهیت نگاره‌های کنده شده بر روی تخته سنگ-هاست. به‌عنوان مثال نگاره‌های اسب و سوارکار در نقوش صخره‌ای گورگتان و بندیک، در حالی که بر پشت اسبان سوارند و یا افسار را در دستان خود نگه داشته، نشان از اهلی کردن این حیوان توسط انسان و متعلق به دوران بعد از اهلی کردن اسب بوده است. اسب جایگاه ارزشمندی در زندگی هندی‌ایرانیان داشته و همین امر باعث شده تا از دیرباز در زندگی آنان نقش مهمی داشته باشد. این حیوان در میان هندی‌ایرانیان جایگاهی سپند و آیینی داشته و در اسطوره‌های آنان بسیار مهم جلوه کرده است (موسوی و آریامنش، ۱۳۹۸: ۳۳۰). اسب در عصر آهن به حیوانی اهلی و خانگی تبدیل شد (Shirazi, francfort, 2011: 54). پرورش اسب در دوران باستان (Soltani, 2015: 30). بسیار رایج بوده به‌طوری‌که مادها آن را به‌عنوان مالیاتی به

سواستیکا یا چلیپا، دایره یا چرخ و .. نیز بر این واقعیت بیشتر صحنه می‌گذارند. در نهایت باید عنوان کرد که نقوش صخره‌ای گورگتان علاوه بر مشترکات فرمی و نقشی با بندیک، از نظر نوع موضوعات به تصویر کشیده شده مانند صحنه‌های زندگی روزمره، صحنه‌های شکار، صحنه‌های طبیعت و همچنین از نظر فن ایجاد نگاره‌های آن‌ها که در هر دو منطقه اکثراً به شیوه پتروگلیفی و روش‌های: کنده کوبشی، کنده خراشی، کنده کوبشی - خراشی اجرا شده؛ همانند هم بوده و قابل قیاس با یکدیگر است. در نهایت با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته در صخره‌نگاره‌های گورگتان و مقایسه آن با مجموعه بندیک، باید گفت که حداقل بخشی از نگاره‌های موجود در این دو مجموعه متعلق به هزاره‌های اول و دوم قبل از میلاد هستند.

های مشابه نقوش انسانی و حالت‌های مختلف آن از جمله، انسان با دستان باز و گشاده، انسان در حال شکار و تیراندازی، انسان در حالت دست به کمر زده، انسان در حالت عادی، انسان با دستان جمع شده و ... در گورگتان عیناً در نقوش صخره‌ای بندیک نیز وجود دارد و می‌توان آن‌ها را در یک گروه و متعلق به یک بازه زمانی مشترک دانست. علاوه بر نقوش انسانی نگاره‌های حیوانی نیز تقریباً، در هر دو منطقه یکسان بوده، به طوری که نقش بز و حالات مختلف آن از منظر فرمی و سبکی و همچنین نگاره‌های قوچ، غزال، گاو، شتر، گربه‌سانان و سگ‌سانان گورگتان کاملاً مشابه نمونه‌های موجود در بندیک بوده و احتمال تعلق هر دو اثر را به یک بازه زمانی و مردمانی با فرهنگ-های مشترک، بیشتر نمایان می‌سازد. در این بین نگاره‌های هندسی مشترک بین گورگتان و بندیک همچون

کتابنامه

۱. افضل طوسی، عفت‌السادات، ۱۳۹۱، گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان، شماره ۲۱، صص: ۶۸ - ۵۵.
۲. برجسته دلفروز، بهروز، ۱۳۹۷، مجموعه پرونده ثبتی نقوش صخره‌ای دورآب (گشت سراوان)، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سیستان و بلوچستان، زاهدان، چاپ نشده.
۳. حصارنوی، علیرضا، ۱۳۸۱، سنگ‌نگاره‌های دره گنج شهرستان تفت، مجله اثر، شماره ۳۵، صص: ۱۸۶ - ۱۸۰.
۴. دهواری، جابر، ۱۳۹۷، مطالعه تطبیقی و شمایل‌نگاری سنگ‌نگاره‌های دره بندیک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۵. رضایی، مهدی، جودی، خیرالنساء، ۱۳۸۹، اشکفت نگاره‌های هلوش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاه‌نگاری، مجله انسان‌شناسی و فرهنگ. قابل دسترس در وب‌گاه، وب گردی/اجتماعی به نشانی: <http://vista.ir/w/a/21/26/g4s>. بازیابی شده در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰.
۶. شریفی‌نیا، اکبر، احمدی، اکرم، قنبری، ندا، ۱۳۹۲، نشانه‌هایی از اسطوره‌ی زایش در سنگ‌نگاره‌های نویافته‌ی تنگه‌ی بهرام چوبین، جلوه هنر، شماره ۱۳، صص: ۲۳ - ۳۴.
۷. شیخ اکبری‌زاده، سمیرا، امیرحاجلو، سعید، عرب، حسنعلی، ۱۳۹۲، مطالعه تفسیرگرایانه صخره‌نگاره‌های نویافته زه کلویت جازموریان. مجله مطالعات ایرانی، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص: ۲۱۵ - ۱۹۵.
۸. فاضل، لیلیا، ۱۳۹۰، تنگ تاودان و تنگ تیهویی، نویافته‌هایی از هنر صخره‌ای در استان فارس، پژوهش‌های باستان‌شناسی تربیت مدرس، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، صص: ۷۸ - ۶۹.
۹. قربانی، حمیدرضا، صادقی، سارا، هاشمی، حسن، ۱۳۹۴، تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی، مجله خراسان بزرگ، سال ششم، شماره ۲۱، صص: ۵۷ - ۸۲.
۱۰. قسیم، طاهر، ۱۳۸۶، گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان، باستان‌پژوهی دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، صص: ۷ - ۸۱.
۱۱. قسیم، طاهر، ۱۳۹۸، سیری بر هنر صخره‌ای، مجله باستان‌شناسی، دوره سوم، شماره دوم، صص: ۲۵ - ۴۸.
۱۲. کریمی، فریبا، ۱۳۸۶، نگرشی نو به کنده نگاره‌های صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی، مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال اول، شماره ۲، صص: ۳۴ - ۲۰.
۱۳. لورا گوران، آندره، بی‌تا، دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر، ترجمه نورالدین فرهیخته، تهران: انتشارات پوشش.

۱۴. معروفی‌ا قدم، اسماعیل، افخمی، بهروز، حسینی، مهدی، گراوند، افراسیاب، طهماسبی، فریبرز، ۱۳۹۷، بررسی و مطالعه تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دهم، شماره سی و هفتم، صص: ۱۳۳ - ۱۶۲.

۱۵. موسوی، سید مهدی، آریامنش، شاهین، ۱۳۹۸، اسبان ورجاوند؛ تطور ارجمندی اسب نزد هندی‌ایرانیان، پیش و پس از مهاجرت، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال نهم، شماره اول، صص: ۲۹۷ - ۳۱۹.

16. Francfort H.-P, 2011, Some aspects of horse representation in the petroglyphs of Inner Asia from the earliest periods to the 1st millennium BCE, In *Arkheologiya Yuzhnoi Sibiri*. Kemerovo: Kemerov. Gos. Univ., pp. 54-64. (Vyp. 25: Sbornik nauch. tr., prosvyashch. 80-letiyu so dnya rozhdeniya Yakova Abramovicha Shera).

17. Karimi, Ebrahim, 2014, the rock painting of kuh-e-Donveh in Esfahan, central Iran, *Arts*, N: 3, pp. 118-134.

18. Lahafian, Jamal, 2013, The Newly Found Petroglyphs in the Western Kermanshah, *Arts* 2013, 4, pp. 24-33

19. Mcburney, C. B. M., 1969, On an Examination of Rock Paintings in the Kuh Dasht Area. *Journal of Archaeology and Art of Iran*, No. 3, pp. 7-9.

20. Moradi, H, Sarhaddi-dadian, H, Soltani, M, Rahman, N.H, Byung-ock, C, 2013, "Study and typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik valley, Baluchestan, Iran", *The Journal of Archaeology, Consciousness and Culture*, Vol. 6, pp. 331-350.

21. Sarhadi, Fereshteh, 2013, "Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistsn - Baluchestan, Iran)", *Ancient Asia* 4: 3, pp. 1-8

22. Sarhadi-dadian, H, Moradi, H, Soltani, M, 2015, "Preliminary study of rock art at Negaran valley in Baluchistan, Iran" *Rock Art Research* Volume 32, Number 2, pp. 8-11.

23. Shirazi, R., Soltani, M., 2015, "The evidence of rock art in Iranian Makran: Aps-e Goalm and Kouhbodan-e Jor Petroglyphs, Qasr-e Qand", *Archaeology, Ethnology and Anthropology of Eurasia*, Vol. 43/2, pp. 23-33.

